یادداشت

توزیع شیر و سلامت دانش‌آموزان را جدی بگیریم

مهدی بهلولی*

● یکی از بندهای بودجه آموزش‌وپرورش، بند مربوط به شیری است که در مدرسه‌ها و در میان دانش‌آموزان توزیع می‌شود. از آنجایی که از یکم تا هفتم اردیبهشت، هفته سلامت نام‌گذاری شده، بد نیست به این موضوع اشاره کوتاهی کنیم. خوشبختانه از سال گذشته، توزیع سراسری شیر در میان دانش‌آموزان کشور آغاز شد. این کار البته با کم‌وکاستی‌های فراوانی همراه بود؛ اما در کل می‌توان از آن استقبال کرد و به‌عنوان یک نکته مثبت در کارنامه آموزش‌وپرورش دولت یازدهم ثبت کرد. بودجه‌ای که در سال ۹۴ برای این کار در نظر گرفته شد، حدود ۱۵۰ میلیارد تومان از محل بودجه عمومی آموزش‌وپرورش و ۴۰۰ میلیارد تومان از محل صرفه‌جویی یارانه‌ها بود. بنا بر سخنان مسئولان آموزش‌وپرورش، تاکنون ۷۵ درصد از بخش مربوط به بودجه آموزش‌وپرورش محقق شده؛ اما یک ریال از صرفه‌جویی یارانه‌ها به آموزش‌وپرورش داده نشده است! حال اگر فرض کنیم آن ۲۵ درصد باقی‌مانده بودجه آموزش‌وپرورش نیز محقق شود، می‌توان گفت که آموزش‌وپرورش در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ به ازای هر دانش‌آموز حدود ۱۱ هزار تومان در سال هزینه مصرف شیر کرده است که ناگفته پیداست عدد بسیار ناچیزی است. در بودجه ۹۵ ردیف مربوط به شیر مدرسه‌ها، به ۲۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته که سرانه آن حدود ۱۵هزار تومان می‌شود، که باز هم عددی نیست که بتوان در بهبود سلامت دانش‌آموزان، روی آن حساب ویژه‌ای باز کرد. نخستین درخواست می‌تواند این باشد که کارگزاران دولت یازدهم، به سلامت دانش‌آموزان کشور، اهمیت بیشتری بدهند و دست‌کم به آنچه خود مصوب می‌کنند -همان ۴۰۰ میلیارد تومان- پایبند بمانند. البته در بودجه سال ۹۵ خوشبختانه ردیف تازه‌ای با عنوان «فعالیت تربیت‌بدنی و ارتقای سلامت دانش‌آموزان» دیده می‌شود که بودجه درنظرگرفته برای آن صد میلیارد تومان است. از این عدد حدود ۴۰ میلیارد تومان آن قرار است صرف برنامه ارتقای سلامت دانش‌آموزان شود. در این زمینه باز بند دیگری وجود دارد که ویژه منطقه‌های محروم است. برابر این بند قرار است حدود ۴۵ میلیارد تومان صرف «یارانه دفترچه، تغذیه رایگان و امور رفاهی دانش‌آموزان منطقه‌های محروم» شود. روی هم رفته می‌توان گفت که سلامت و تغذیه دانش‌آموزان، بحث بسیار مهمی است که توجه ویژه همه کارگزاران مملکت را می‌طلبد؛ اما با توجه به خبرهایی که از گوشه و کنار کشور شنیده می‌شود، می‌توان گفت که به این امر مهم، آن‌گونه که باید و شاید توجه نمی‌شود. برای نمونه چند روز پیش محمد قادری‌تفرشی، مدیر آموزش‌وپرورش ملارد، گفت: «در تحقیق و بررسی‌ای که به‌صورت میدانی در مدارس این شهرستان انجام شده، به این جمع‌بندی رسیدیم که قریب به ۷۰ درصد از دانش‌آموزان منطقه، بدون صرف صبحانه در کلاس‌های درس حاضر می‌شوند. در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته دنیا، صبح‌ها قند خون دانش‌آموزان ارزیابی می‌شود و در صورت مساعدبودن این امر، امکان حضور دانش‌آموز در سر کلاس درس فراهم می‌شود و این موضوع مؤید اهمیت وعده صبحانه در نظام آموزشی کشورهای پیشرفته است».

* آموزگار و کنشگر صنفی

گزارش «شرق» درباره یکی از اصلی‌ترین مبادی جابه‌جایی مهاجران غیرقانونی در داخل کشور

قاچاق انسان با موتور

عکس: تسنیم

محمد خادمی: مسئله ورود مهاجران غیرقانونی در دو، سه سال اخیر به یکی از بغرنج‌ترین مسائل کشورهای اروپایی تبدیل شده است؛ بااین‌حال ایران در سه دهه اخیر همیشه با قاچاق انسان در مرزهای شرقی خود مواجه بوده است. در این سال‌ها روزانه جمعیت درخورتوجهی از مهاجران غیرقانونی افغانستانی و پاکستانی رهسپار کشورمان شده‌اند که با کمک قاچاقچیان به شهرهای داخلی کشور منتقل شده‌اند. اما دراین‌میان یکی از تفاوت‌های عمده مسئله مهاجران غیرقانونی در ایران با اروپا این است که در کشورهای دیگر مشکلات حضور مهاجران و قاچاق انسان اغلب پشت مرزها یا نهایتا در شهرهای مرزی ایجاد می‌شود؛ اما در کشور ما برخی از شهرهای مرکزی کشور نیز با مشکلات جدی‌ای در زمینه قاچاق انسان مواجه‌اند. یکی از این شهرهای مرکزی کشور شهر مهریز در استان یزد است که در دل کشور قرار دارد و بیش از ۸۰۰ کیلومتر با مرزهای شرقی کشور فاصله دارد. در گزارش پیش‌رو بیشتر از روند قاچاق انسان در این شهر مرکزی کشور آگاه می‌شوید:

پاسگاه سخت‌گیر

در هم‌جواری شهر مهریز یکی از جاده‌های مهم ترانزیتی جنوب به شمال کشور قرار دارد که در فاصله پنج‌کیلومتری آن پاسگاه نیروی انتظامی‌ای به نام شهید مدنی مستقر است. اهالی و مراجعه‌کنندگانی که از کنار این پاسگاه می‌گذرند، معتقدند به لحاظ سخت‌گیری و اعمال دقت اینجا یکی از مهم‌ترین ایست‌های بازرسی کشور به حساب می‌آید و مأموران پاسگاه شهید مدنی بخش عمده‌ای از فعالیت خود را صرف مبارزه و جلوگیری از قاچاق انسان و مواد مخدر می‌کنند؛ بااین‌حال قاچاقچیان انسان که از این رهگذر سود هنگفتی نصیبشان می‌شود، بی‌کار ننشسته‌اند و دست به کار شده‌اند تا به هر شکل ممکن از چنگ مأموران این پاسگاه فرار کنند. یکی از روش‌های آنها به‌کارگیری تعدادی موتورسوار و راننده خودرو برای جابه‌جایی مهاجران غیرقانونی از مسیرهای فرعی و همچنین از مسیر مخالف و حرکت برعکس در جاده اصلی است. اگرچه آنها هرازگاه در دام مأموران نیروی انتظامی گرفتار می‌شوند؛ اما همچنان به کارشان ادامه می‌دهند. برای اینکه بدانیم داستان از چه قرار است، سراغ یکی از قاچاقچیان انسان را در این شهر می‌گیرم. بعد از کلی پرس‌وجو به «حمزه» رسیدیم؛ یکی از موتورسوارانی که شب‌ها مهاجران را از جاده اصلی با حرکت در مسیر برعکس عبور می‌دهد. او نیز در قبال اینکه شماره رئیسش را به ما بدهد، ۵۰ هزار تومان طلب می‌کند که در نهایت با ۳۰ هزار تومان شماره رئیسش را می‌دهد. حمزه درباره شیوه کارش می‌گوید: «هر شب به همراه چند نفر از بچه‌محله‌های‌مان رهسپار محله گرده کوه در آن سوی پاسگاه شهید مدنی می‌شویم و هر موتورسوار چهار تا پنج نفر مهاجر سوار می‌کنیم و با چراغ خاموش که کسی ما را نبیند، خلاف جاده شمال به جنوب حرکت می‌کنیم؛ چراکه ایستگاه پلیس در مسیر جنوب به شمال این جاده قرار دارد و به راحتی می‌توانیم مسافران‌مان را به مقصد برسانیم؛ البته ناگفته نماند که تعداد درخورتوجهی از موتورسواران به دلیل عبور از جاده یک‌طرفه جانشان را در این مسیر از دست داده‌اند». حمزه ادامه می‌دهد: «بخشی از همکارانم مهاجران را از طریق جاده خاکی معروف به جاده گازی به آن سوی پاسگاه انتقال می‌دهند که در جوار این جاده به دلیل قرارگرفتن لوله انتقال انرژی سراسری کشور که از جنوب به شمال کشور انتقال پیدا کرده است، محله امنی برای تردد خودروها و موتورسواران قاچاقچی است؛ چراکه به دلیل وجود لوله انرژی (جاده گازی) مأموران پلیس نیز دست به اسلحه نمی‌برند؛ البته بیشتر در این جاده خودروها با مدل پرشیا، زانتیا، پژو ۴۰۵ و سمند مشغول به جابه‌جایی افغان‌ها هستند و شبانه با چراغ‌های خاموش از این جاده عبور می‌کنند».

روزانه صدها مهاجر قاچاق می‌شوند

ساعت حدودا دو بعدازظهر است، با شماره به‌دست‌آمده تماس می‌گیریم، جواب می‌دهد، با صدای خش‌دارش در ابتدا مخالف گفت‌وگو با ما است؛ اما نهایتا راضی به صحبت می‌شود و با ما در یک قلعه قدیمی در حاشیه شهر مهریز قرار می‌گذارد. او که خود را شکارچی معرفی می‌کند، می‌گوید: «ما یک واسطه هستیم، به این شکل که کامیون‌ها، اتوبوس‌ها و سواری‌ها افغان‌ها و پاکستانی‌ها را که از مرز شرقی کشور به تهران می‌خواهند انتقال دهند تا فاصله ۱۰کیلومتری پاسگاه شهید مدنی می‌آورند و با من تماس می‌گیرند، آن‌وقت من نیز از چند طریق نیروهایم را به محل قرار می‌برم تا مهاجران را به این سوی پاسگاه شهید مدنی انتقال دهیم». او ادامه می‌دهد: «در این منطقه چند قاچاقچی انسان وجود دارد و هرکدام از آنها هم نیروهای خودشان را دارند. بگذارید برایتان موضوع را بازتر کنم. در استان سیستان‌وبلوچستان چند نفر هستند که باند قاچاقچی انسان دارند و به شکل‌های گوناگون و از مسیرهای مختلف مهاجران را به تهران انتقال می‌دهند. مهاجران در ابتدا یک میلیون تومان به قاچاقچیان می‌دهند و آنها نیز مسئول آن هستند که از مبدأ تا مقصد مهاجران را انتقال دهند. این افراد بعد از اینکه از مرز وارد خاک ایران شدند، از طریق کوه و بیابان وارد شهرهای زاهدان، زابل، ایرانشهر و... می‌شوند و آنها بعد از عبور از پاسگاه‌های گوناگون نیروی انتظامی به مهم‌ترین پاسگاه کشور که پاسگاه مهریز است، می‌رسند. مهاجران به ۱۰کیلومتری پاسگاه شهید مدنی که رسیدند، آن وقت همکارانم با روش‌هایی که دارند، آنها را به این سوی پاسگاه می‌آورند و مجددا با اتوبوس، سواری و کامیون آنها را راهی مقصدشان می‌کنیم». «شکارچی» حین صحبت مدام سیگار می‌کشد؛ اما چهره‌اش آرام آرام است. او ادامه می‌دهد: «ساعت کاری نیروهای من شب‌هاست و بیشتر نیروهای من جوانان هستند. موتورسواران در هر مسیر چهار مهاجر را سوار می‌کنند که به‌ازای هر مهاجر که جابه‌جا می‌کنند، ۲۵ هزار تومان می‌دهیم یعنی یک موتور سوار با طی‌کردن ۱۵ کیلومتر، صد هزار تومان دریافت می‌کند و اگر در شب چند سرویس برود به ۵۰۰ هزار تومان نیز می‌تواند حقوقش را برساند؛ البته نیروهای موتوری‌ام با جان‌شان بازی می‌کنند چراکه در تاریکی شب باید با چراغ خاموش مسیر خطرناکی را طی کنند، در هر خودرو سواری نیز حدودا ۹ تا ۱۲ نفر سوار می‌کنیم، بخشی دیگر را نیز با اتوبوس‌های مسافربری به تهران انتقال می‌دهیم. همچنین من نیز از هر افغانی فقط ۱۵ هزار تومان نصیبم می‌شود و هر روز صد تا ۲۰۰ افغانی جابه‌جا می‌کنم. البته فقط گروه ما نیست که این تعداد مهاجران را جابه‌جا می‌کند، گروه‌های دیگری هم هستند که تعداد کمتر یا بیشتر مهاجر جابه‌جا می‌کنند و آن‌طور که من می‌دانم بیش از ۳۰۰ نفر شب‌ها از مسیر شهر مهریز به تهران منتقل می‌شوند». پکی به سیگارش می‌زند و درباره جزئیات دیگر کارش توضیح می‌دهد: «البته کار ما غیر از برخورد نیروهای انتظامی و پلیس، سختی‌های خطرناک دیگری هم دارد مثلا تعدادی از افراد هستند که افغانی و پاکستانی‌ها را از دست ما می‌دزدند و هر افغانی و پاکستانی را ۳۰۰ تا ۵۰۰هزار تومان به دیگر قاچاقچی‌ها به فروش می‌رسانند». شکارچی در پاسخ به سؤال من درباره اینکه با این مهاجران برخورد نامناسب هم می‌شود؟ می‌گوید: «ما کارمان را می‌کنیم؛ فقط با افرادی که به حرف‌مان گوش نمی‌دهند، آن هم به دلیل اینکه زبان ما را نمی‌فهمند مجبور می‌شویم به شکل فیزیکی با آنها برخورد کنیم؛ به‌هرحال مهاجرت‌کردن سختی‌هایی هم دارد». او درباره سرگذشت افرادی که توسط پلیس دستگیر می‌شوند هم این‌طور می‌گوید: «آنهایی که گرفتار پلیس می‌شوند در ابتدا به کمپ منتقل می‌شوند، که از سوی سازمان‌های بین‌المللی برپا شده‌اند، بعد اتباع بیگانه را سوار اتوبوس می‌کنند تا به مرز کشورشان انتقال دهند که البته هزینه اتوبوس را نیز از مهاجران می‌گیرند. ازسوی‌دیگر در صورت دستگیری قاچاقچیان انسان آنها دادگاهی می‌شوند و باید جریمه‌هایی را به خزانه دولت پرداخت کنند و وسیله نقلیه‌شان متوقف می‌شود که هر روز متوقف‌بودن آن وسیله نقلیه برابر است با پرداخت‌کردن اجاره پارکینگ».

> **در هم‌جواری شهر مهریز یکی از جاده‌های مهم ترانزیتی جنوب به شمال کشور قرار دارد که در فاصله پنج‌کیلومتری آن پاسگاه نیروی انتظامی‌ای به نام شهید مدنی مستقر است. اهالی و مراجعه‌کنندگانی که از کنار این پاسگاه می‌گذرند، معتقدند به لحاظ سختگیری و اعمال دقت اینجا یکی از مهم‌ترین ایست‌های بازرسی کشور به حساب می‌آید**

مشکلات گوناگون برای ساکنان شهر مهریز

رئیس شورای شهر مهریز که دل پری از حضور اتباع بیگانه در این شهر دارد، می‌گوید: «با قرارگرفتن این پاسگاه، متخلفانی که در زمینه قاچاق انسان فعالیت دارند تلاش می‌کنند تا از مسیرهای فرعی اقدام به جابه‌جایی مهاجران کنند و این موضوع باعث پراکندگی اتباع بیگانه در داخل شهر مهریز می‌شود؛ ازسوی‌دیگر تعدادی از آنها تمایل دارند در این شهر زندگی کنند که مشکلات اعتیاد، ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی را برای دیگر ساکنان بومی به دنبال می‌آورند». «محسن مروی‌نام» ادامه می‌دهد: «متأسفانه خودرو قاچاقچیان انسان برای اینکه از دست پلیس فرار کنند با سرعت بسیار زیاد از جاده‌های فرعی و اصلی این شهر تردد می‌کنند که هرازگاهی حوادث دلخراشی را در این شهر به وجود می‌آورند و این موضوع باعث ایجاد ناامنی برای دیگر خودروها می‌شود. به‌همین‌دلیل پیگیر آن هستیم تا پاسگاه پلیس شهید مدنی به ۳۰ تا ۴۰ کیلومتر آن طرف‌تر از شهر مهریز انتقال داده شود تا مشکلات حضور قاچاقچیان انسان در شهر مهریز کمتر مشاهده شود».

برخورد ضعیف قانون

دراین‌میان «محمدصالح جوکار»، نماینده مردم یزد در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون امنیت ملی می‌گوید: «متأسفانه به دلیل بی‌کاری، قاچاق انسانی در این منطقه مرکزی کشور رواج پیدا کرده است و همین موضوع باعث شده که قاچاقچیان اتباع بیگانه را از یکدیگر بدزدند و به گروگان بگیرند». این عضو کمیسیون امنیت ملی در ادامه می‌افزاید: «در گذشته بسیاری از مهاجران به شغل‌های کارگری ساده ساختمانی مشغول به کار می‌شدند، اما به‌تازگی آنها با هنر و تخصصی مانند کشاورزی، مکانیکی، صافکاری و... به بازار کشور وارد می‌شوند به همین منظور این افراد اشتغال در کشور را مناسب می‌دانند و هر طور شده تلاش می‌کنند تا خودشان را به کشور برسانند». به گفته جوکار بیش از ۱۰ درصد جمعیت استان یزد را اتباع بیگانه از کشورهای افغانستان و پاکستان تشکیل داده‌اند که بیش از هفت درصد آنها به شکل غیرقانونی در این استان ساکن هستند. او در پاسخ به این سؤال درباره اینکه تاکنون اقدامی برای جلوگیری از قاچاق انسان در این منطقه کرده‌اید؟ پاسخ می‌دهد: «متأسفانه قانون برخورد با قاچاقچیان انسان به شکل اساسی وجود ندارد؛ چراکه در صورت دستگیری افرادی که به آنها اسکان دهند مجازات‌شان فقط شش ماه زندان است و خودرو کسانی که آنها را جابه‌جا کنند فقط به مدت کوتاهی توقیف می‌شود». این عضو کمیسیون امنیت ملی در پاسخ به سؤال دیگری درباره اینکه چرا در همان ابتدای مرز با قاچاقچیان انسان برخورد نمی‌شود؟ می‌گوید: «برخوردها در مرز و دیگر نقاط کشور انجام می‌شود و نیروی انتظامی آنها را دستگیر می‌کند اما چون در مرکز کشور این پدید بیشتر به چشم می‌خورد، اهالی این منطقه تصور می‌کنند که نیروی انتظامی فقط در این منطقه با آنها برخورد می‌کنند. البته جا دارد در اینجا این موضوع را نیز مطرح کنم که در جلسه‌ای که با وزیر کشور داشته‌ایم، پیشنهاد داده‌ایم که از بخش خصوصی (خیران حوزه‌های گوناگون) برای کمک به مسائل فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی، مذهبی و... در کمپ‌های اتباع بیگانه استفاده شود تا شأن و کرامت آنها حفظ شود که متأسفانه وزارت کشور توجهی به این پیشنهاد نکرده است».

بدون ویزا اجازه ورود بدهیم

مجید حاجی‌غلامی‌سریزدی، کارشناس برنامه‌ریزی شهری و ساکن شهر مهریز، دراین‌باره معتقد است: «باید با مهاجران غیرقانونی در لب مرز برخورد کرد، اما به‌دلیل اینکه کشور ما هزاران کیلومتر مرز با دیگر کشورها دارد، کنترل‌کردن این حجم وسیع بسیار سخت یا می‌توان گفت امکان‌پذیر نیست، بنابراین دولت می‌تواند به کسانی که می‌خواهند به داخل کشورمان وارد شوند، از مرز ورودی با داشتن کارت شناسایی اجازه ورود دهد، این کار چند ویژگی دارد، نخست اینکه مهاجران در زمان انتقال به شکل غیرقانونی با مشکلاتی مانند حوادث رانندگی که از سوی قاچاقچیان به وجود می‌آید مواجه نمی‌شوند، دوم اینکه دولت می‌داند چه کسی وارد کشور شده است و می‌تواند آنها را کنترل کند و در نهایت قاچاقچیان انسان باعث ایجاد مزاحمت برای شهروندان کشورمان در شهرهای دیگر نمی‌شوند». او ادامه می‌دهد: «دولت ترکیه اجازه می‌دهد شهروندان کشورهای دیگر بدون ویزا وارد خاک ترکیه شوند، اما اگر این افرادی که وارد این کشور شده‌اند، بخواهند مشغول به کار شوند، این اجازه را به آنها نمی‌دهد، بنابراین کشور ما نیز می‌تواند چنین رویکردی را در برخورد با شهروندان کشور افغانستان و پاکستان داشته باشد».

نگاه

اطلاعات؛ حلقه مفقوده طرح تحول سلامت

مهدی شریف‌الحسینی*

● اینک که طرح تحول سلامت، دوسالگی خود را پشت‌سر می‌گذارد، لازم است ضمن ارج‌گذاشتن به نیت سراسر خیر و زحمات بی‌شمار مدیران و مجریان طرح، به راه‌های بهبود و اصلاح کمبودهای آن پرداخت. این طرح، بسان نهال نوپایی است که باید بتواند علاوه بر تحمل کم‌آبی، مقاومت در برابر آفات، توان ادامه حیات و رشد در بستر نامناسب و تاب‌آوری در وقایع پیش‌بینی‌نشده، محصولی شایان از نظر کمی و کیفی نیز به بار آورد. اما ملزومات نیل به این مهم کدامند؟

این نوشتار، پس از بیان سه پیش‌زمینه نسبتا طولانی، به بحث و نتیجه‌گیری درباره پرسش یادشده می‌پردازد.

الف) براساس دانش مدیریت، یک پروژه، تصمیم یا سیاست، زمانی موفق محسوب می‌شود که هزینه-فایده یا هزینه- اثربخشی آن مقرون‌به‌صرفه باشد. در طرح تحول سلامت، هدف کلی، حفاظت مالی شهروندان در برابر هزینه‌های سلامت عنوان شده است. در پیمایش‌های ارزیابی طرح تحول سلامت نیز بیش از همه، میزان رضایت‌مندی بیماران از نظر خدمات بستری، تیم درمان، محیط فیزیکی، عدم ارجاع به خارج از بیمارستان برای خرید دارو و تجهیزات و هزینه‌ها ملاک قرار گرفته‌اند. در زمینه رضایت‌مندی پزشکان و پرستاران نیز به درآمد و میزان مراجعان پرداخته شده است. به راستی متغیرهای یادشده برای ارزیابی موفقیت یک طرح ملی که در مقاطعی به‌عنوان مهم‌ترین اقدام دولت تدبیروامید از آن یاد می‌شد، کافی است؟ پس تکلیف ارزیابی کیفیت درمان و مراقبت‌ها چه می‌شود؟ آیا بهتر نبود هدف غایی این هزینه‌کرد کلان، بهبود وضعیت درمان و سلامت ایرانیان عنوان می‌شد. آیا مطالعه‌ای درخصوص لزوم اقدامات درمانی انجام‌شده از نظر گایدلاین‌های پزشکی صورت گرفته است؟ آیا نیاز به راستی‌آزمایی درمان‌های ثبت‌شده در پرونده بیمار نیست؟ آیا صِرف افزایش تعداد مهر و امضای پزشکان متخصص و فوق‌تخصص در پرونده بیمار، به مثابه ارتقای کیفیت درمان است؟ آیا ابلاغ کتاب ارزش‌گذاری خدمات باعث نشده تا در برخی موارد، خدمات بر حسب تعرفه بیشتر -و نه الزاما بر حسب ضرورت- صورت گیرند و ثبت شوند؟ به‌عنوان مثال آیا میزان بروز آپاندیسیت حاد نیازمند جراحی، قبل و بعد از آغاز طرح تحول سلامت، فرق نکرده است؟! آیا میزان ثبت جراحات (Laceration) نیازمند ترمیم عصب و عضله، قبل و بعد از طرح، تفاوتی نداشته است؟! آیا نیاز به مراقبت بحرانی بیماران در اورژانس‌ها - با تعرفه‌ای به مراتب بالاتر از ویزیت معمولی- به طرز معناداری زیاد نشده است؟! و به‌طورکلی آیا خدماتی که تعرفه بالاتری دارند، رشد قابل‌توجهی پیدا نکرده‌اند؟! آیا تأثیر چنین هزینه‌ای، در درمان مطلوب و پایدار بیماری‌ها و سطح کلی سلامت مردم جامعه، مثبت بوده است؟

واضح و مبرهن است که انجام طرحی با این عظمت، آسیب‌ها و مفسده‌های خاص خودش را دارد. اما برای کاهش اشکالات و بهبود کیفیت مراقبت‌ها- و نه صرفا افزایش کمیت آنها- چه می‌توان کرد؟ آنچه مسلم است اینکه تنها با تزریق پول، نمی‌شود کیفیت را بالا برد و مشکلات را حل کرد که اگر این‌گونه بود، معضل مسکن با تخصیص آن حجم گسترده نقدینگی در دولت قبل، برای همیشه حل‌وفصل شده بود.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۵۲۶ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- کتاب شعر فلسفی اقبال لاهوری، شاعر و متفکر پاکستانی- فلسفه اسلامی- صوت شگفتی ۲- قلعه‌خشتی ورامین- سمت راست- لشکر مخلص خدا است ۳- گلابی- فرشته مهر در آیین زرتشتی- به مناسبت رویداد مسرت‌بخش می‌خورند ۴- جیوه- مأمور رسیدگی و بررسی چگونگی انجام کاری- روستای زادگاه هوشنگ مرادی‌کرمانی ۵- روحانی یهودی- محرومیت- وجود دارد ۶- یکی پس از دیگری- پیوسته- حمله نظامی ۷- مربوط به شب گذشته- اذیت- نوعی خاک ۸- ناپاکی- علم شعبده‌بازی ۹- از هفت‌سین نوروزی- جنگ و پیکار- از تیم‌های فوتبال باشگاهی ایتالیا ۱۰- رام‌نشده!- پایان، انتها - هدایت شدن ۱۱- قوه بینایی- مجموعه فعالیت‌های مختلف برای رسیدن به نتیجه خاص- نخستین شهید مسلمان ۱۲- خودروی باربری کوچک- ظرف آب سربازان- رشد ۱۳- شهری در استان خوزستان- صلیب- یازده ۱۴- اقامت گزیدن- خداوندی- کشور اروپایی در همسایگی لهستان ۱۵- لنگه بار- عنوانی احترام‌آمیز برای زنان- شیوه‌ای در رنگ‌کردن مو.

عمودی:

۱- سرب خشک- بی‌میل و رغبت- تنگ‌چشمی ۲- از شهرهای مهم اسپانیا- از باشگاه‌های فوتبال اسپانیا ۳- سمت‌وسو- دسته بزرگی از میلیون‌ها ستاره- از پوشاک مخصوص بانوان ۴- اهلی، مطیع- پلیمر مصنوعی سبک برای بسته‌بندی- سرازیری ۵- شگفت‌انگیز- شهری در ایالت تورینگن آلمان- از شنبه تا جمعه ۶- خودروی زرهی- سمت چپ- بالای زانو ۷- عریضه‌نویس- ذوق و شوق- نوعی حلوا ۸- از القاب اشرافی زنان اروپا- غذایی از بادمجان ۹- زنده- قند نیشکر- وسایل حمل‌ونقل ۱۰- کردار- واگیردار- انسان ۱۱- آسان- از اجرام آسمانی- کثیف و نامرتب ۱۲- دشمنی با دشمنان خدا- از کشورهای قاره آمریکای مرکزی- همراه متل ۱۳- راه و روش- دودمان- پیشوند تکرار ۱۴- سلاح مشهور غرب وحشی- جزیره استرالیایی ۱۵- جداگانه تلفظ‌کردن- سوره صدودوم قرآن- نقل حدیث.

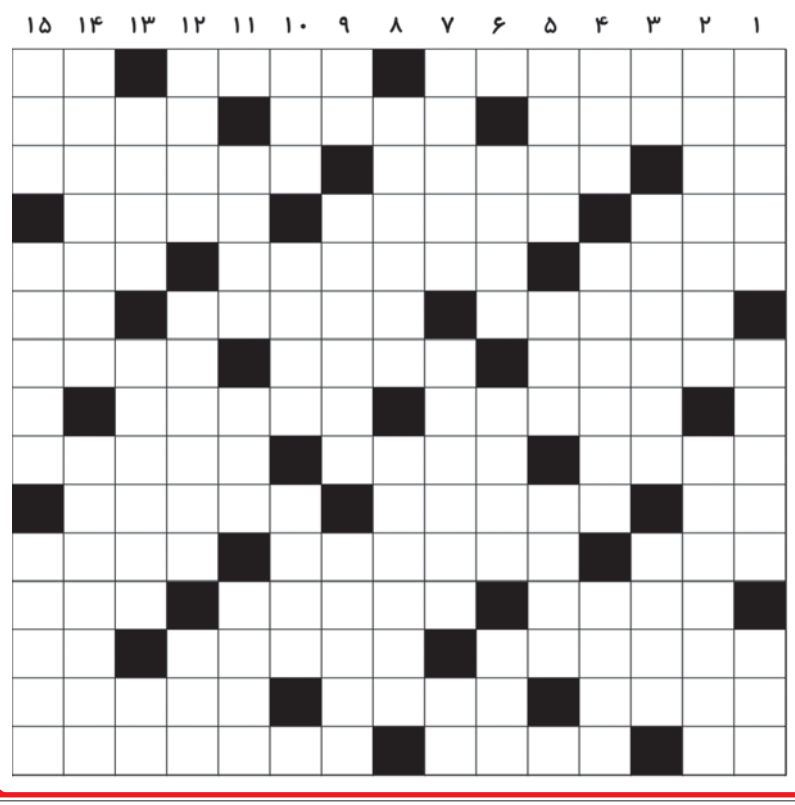

سودوکو سخت ۱۵۲۳

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۷	۸				
		۴		۲				۶
۳			۱		۶	۵		
۵				۹	۳			۴
۹					۱			۳
	۲		۴		۷			
		۸	۵	۷	۲			
		۹		۱			۳	۵
	۶		۹			۲		

حل سودوکو سخت

۲	۳	۸	۵	۹	۴	۱	۶	۷
۶	۵	۴	۱	۷	۳	۸	۲	۹
۷	۹	۱	۶	۸	۲	۳	۵	۴
۸	۱	۲	۳	۴	۹	۵	۷	۶
۹	۷	۶	۸	۱	۵	۲	۴	۳
۳	۴	۵	۲	۶	۷	۹	۸	۱
۱	۸	۹	۷	۵	۶	۴	۳	۲
۴	۲	۷	۹	۳	۸	۶	۱	۵
۵	۶	۳	۴	۲	۱	۷	۹	۸

حل سودوکو ۱۵۲۲

۲	۳	۹	۴	۵	۷	۱	۶	۸
۴	۱	۸	۳	۲	۶	۵	۹	۷
۵	۶	۷	۸	۹	۱	۴	۳	۲
۱	۷	۳	۹	۶	۲	۸	۵	۴
۹	۸	۴	۵	۱	۳	۲	۷	۶
۶	۵	۲	۷	۴	۸	۹	۱	۳
۳	۴	۵	۲	۷	۹	۶	۸	۱
۷	۲	۱	۶	۸	۵	۳	۴	۹
۸	۹	۶	۱	۳	۴	۷	۲	۵

سودوکو ۱۵۲۳

	۹	۵	۲			۳		۷
۲				۸	۱	۶		
۶	۴			۹	۳			
۷			۴		۶	۸	۵	
۳	۱	۴			۵			
	۸	۶	۹		۷			
۴				۵	۲			۸
۹	۶		۳					۵
			۱		۹		۳	۶

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.
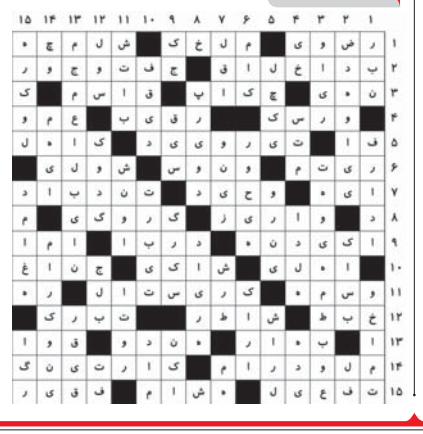
جدول ۲۵۲۵